

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه (کاربرد هم‌گرایی اقتصادی)

سمیرا متقی*، بهرام سحابی**، افشین متقی*** و بیژن صفوی****

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۸

منطقه خاورمیانه، به دلیل حساسیت‌های استراتژیکی و اقتصادی، از مراکز مورد توجه در جهان است. از مهم‌ترین علل ایجاد این حساسیت‌ها می‌توان به ذخایر عظیم نفت اشاره کرد که ظرفیت‌های اقتصادی منطقه خاورمیانه را به نحو چشمگیری افزایش داده است، اما با وجود ظرفیت‌های بالای اقتصادی، اتحادیه نیرومند قابل قبولی که سبب هم‌گرایی تجاری - اقتصادی کشورهای منطقه شود، در خاورمیانه وجود ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد بررسی هم‌گرایی اقتصادی در قالب یک اتحادیه تجاری فرضی در این منطقه بسیار ثمربخش باشد. از این رو، مقاله حاضر با استفاده از یک مدل جاذبه تعمیم‌یافته و در دوره زمانی ۲۰۰۹ - ۲۰۰۲، ضمن بررسی نقش عضویت در بلوک‌های تجاری منطقه در گسترش روابط تجاری کشورهای منطقه خاورمیانه، به واکاوی ایجاد یک اتحادیه فرضی بین تعدادی از کشورهای منطقه می‌پردازد. نتایج حاکی از این امر هستند که ۱- در منطقه خاورمیانه، کشورهایی که عضو یک اتحادیه اقتصادی هستند، تمایل کمتری برای تجارت با کشورهای دیگر را (در منطقه) دارند. ۲- اگر کشورهای واردکننده و صادرکننده منطقه، عضو بلوک اقتصادی فرضی شوند، تجارت بین کشورهای منطقه کاهش می‌یابد که این موضوع به‌طور اساسی به مفهوم عدم کارایی تشکیل یک بلوک اقتصادی در منطقه مورد بررسی است.

* دانشجوی دکتری اقتصاد (گرایش سلامت) دانشگاه تربیت مدرس، پست الکترونیکی: samira.motaghi@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، علوم اقتصادی، پست الکترونیکی: bsahabi56@gmail.com

*** عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم)، جغرافیای سیاسی، پست الکترونیکی: afshin_mottaghi@yahoo.com

**** دکتری اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، پست الکترونیکی: b-safavi@yahoo.com

طبقه‌بندی JEL: F02 , F15 , F1

کلیدواژه‌ها: خاورمیانه، هم‌گرایی منطقه‌ای، مدل جاذبه.

۱- مقدمه

هم‌گرایی اقتصادی از طریق منطقه‌گرایی، از ضرورت‌های نظام کنونی تجارت بین‌الملل شده است که تحت شرایطی خاص اگر تولید و مصرف تحت تأثیر قرار گیرند، باعث رشد و توسعه کشورهای عضو اتحادیه خواهد شد. در این راستا، ملت‌ها و دولت‌های مختلف و با علایق و خواسته‌های به‌ظاهر متفاوت، نیازمند یک استراتژی براساس همکاری منطقه‌ای هستند تا روح همبستگی و اتحاد را در خود تقویت کنند، به عبارتی، این احساس نیاز را می‌توان امروزه در بخش‌های مختلف جهان مشاهده کرد؛ بازار مشترک اروپا در دریای غرب و اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی «آسه آن»، نمونه‌هایی از این نیاز است.^۱ علاوه بر اتحادیه‌های بزرگ، دهه‌ها اتحادیه کوچک و تازه شکل گرفته بین کشورهای مختلف با علایق مشترک ایجاد شده است.

در جهان پرتلاطم امروز، یکی از ضروری‌ترین حرکات، ایجاد زمینه‌های مناسب برای همکاری بین کشورهای جهان سوم است. از آنجا که بسیاری از کشورهای درحال توسعه، از جمله کشورهای خاورمیانه، آمادگی لازم را برای پیوستن به WTO^۲ ندارند، دولت‌های ملی، باید به‌ضرورت، به منطقه‌گرایی روی آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ و مسایل تجاری خود را در مقیاس منطقه‌ای حل کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند، از این‌رو، منطقه‌گرایی دلالت بر رشد فعالیت‌ها بین کشورهای یک منطقه دارد و فعالیت‌های اقتصادی را بیش از آنچه در سطح منطقه است، سازماندهی می‌کند.

شواهد قابل قبول و سرانجام یافته‌ای را می‌توان نشان داد که بر ساختارهای اقتصادی- اجتماعی جوامع تأثیر مناسبی داشته‌اند و در کنار آن به نمونه‌هایی می‌توان اشاره کرد که توفیق خوبی در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، نداشته‌اند. هر دوی این نمونه‌ها، تجارب مفیدی برای همکاری‌های جدید و رسیدن به آرمان‌های مشترک هستند که تضمین‌کننده صلح، رفاه و توسعه بیشتر برای کشورهای درحال توسعه است. به هر حال، تنها راه مقابله با بحران‌های دیرپای اقتصادی

۱- رضائی، ۱۳۴۵، صص ۲۵-۲۰.

2- World Trade Organization

3- Fawceh and Estrange, 2005.

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۷۷

و غلبه بر مشکلات عمده‌ای مانند بیکاری، تورم، گرسنگی و فقر، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است.^۱

هدف همه همکاری‌ها و تلاش‌های مشترک، رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته بشری، توزیع عادلانه ثروت، توسعه و مشارکت‌های مردم در سرنوشت خود است. به عبارت دیگر، همکاری‌های منطقه‌ای، اگرچه در زمینه اقتصادی آغاز می‌شود، در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توسعه می‌یابد. بنابراین، هدف اصلی این مقاله بررسی این پرسش است که آیا در منطقه خاورمیانه، ظرفیت ایجاد یک اتحادیه نیرومند اقتصادی وجود دارد یا خیر؟ و اگر این ظرفیت وجود دارد، کدام کشورها قابلیت بیشتری در تشکیل اتحادیه با یکدیگر دارند؟ و در این راستا فرضیه وجود ظرفیت برای تشکیل یک اتحادیه نیرومند اقتصادی بین همه کشورهای خاورمیانه به‌استثنای کشورهای عضو سازمان شورای همکاری خلیج فارس، مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این مقاله سعی داریم با استفاده از یک مدل جاذبه تعمیم‌یافته، به بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی بر تجارت متقابل بین کشورهای منطقه خاورمیانه پرداخته شود و سپس، با وارد کردن متغیرهای مجازی مربوط به هم‌گرایی منطقه‌ای و حضور در اتحادیه‌های دیگر، به بررسی تشکیل یک بلوک احتمالی در منطقه خاورمیانه که در نقطه اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا واقع شده و حدود شصت درصد از منابع نفتی جهان را به خود اختصاص داده است، پردازیم.^۲ جامعه آماری این مطالعه شامل کشورهای منطقه خاورمیانه بوده و از آمار دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۲ مستخرج از نرم‌افزار آماری PC/TAS^۳ استفاده شده است. همچنین آمار مربوط به متغیرهای اقتصادی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مرتبط با بانک جهانی^۴ و آمار مربوط به مسافت بین کشورها از وب‌سایت ایندو^۵ استخراج شده است. ساختار مقاله بدین شرح است: در قسمت بعد، ضمن ارایه مطالبی در باب هم‌گرایی اقتصادی، مبانی نظری موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه، مدل مورد استفاده ارایه می‌شود. بخش پایانی به جمع‌بندی موضوع مورد بحث اختصاص دارد.

۱- رحیمی بروجردی، ۱۳۸۵، ص ۴۳.

2- Bilgin, 2005, PP.169- 189.

3- Personal Computer Trade Analysis System

4- <http://www.worldbank.org>.

5- <http://www.indo.com>.

۲- هم‌گرایی اقتصادی

امروزه، تحولات سریع در نظام بین‌المللی و فرآیند رو به رشد جهانی شدن، ماهیت تعاملات بین‌المللی و ابزارهای آن را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار تغییرات اساسی کرده است. در چنین شرایطی، میزان دسترسی به سرمایه، انرژی، فناوری و ابزارهای تولید ارزان و مهم‌تر از همه، دسترسی کافی و پایدار به بازارهای مصرف، متغیرهای مهمی هستند که توان رقابت تولیدکنندگان و در نتیجه، امکان بقای آنها را در شرایط جدید اقتصاد جهانی تحت تأثیر قرار می‌دهند.

از سوی دیگر، نابرابری تاریخی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، قدرت رقابت بین آنها را تحت تأثیر قرار داده و کشورهای جهان سوم را در بستر زمان دچار مشکلات بیشتری کرده است. از این رو، به نظر می‌رسد، حرکت به سمت هم‌گرایی‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه، در قالب سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای، گزینه‌ای مناسب برای توسعه اقتصادی و پیشرفت آنها به شمار می‌آید.

از نظر Barro مسأله هم‌گرایی، به فرآیندی اشاره دارد که طی آن، «تفاوت درآمد بین گروه‌های کشوری خاص در طول زمان کاهش می‌یابد». از نظر گروهی از اقتصاددانان، رشد تجارت بین کشورها به کاهش این تفاوت کمک خواهد کرد. گرچه الگوی رشد نئوکلاسیک سولو، در ۱۹۵۶، پیش‌بینی کرد که هم‌گرایی درآمد بین کشورهای مشابه^۱، حتی در عدم حضور تجارت نیز وجود دارد.

در هر صورت، آزادی جریان کالاها، می‌تواند این روند هم‌گرایی را ارتقا دهد و سرانجام به برابری قیمت کالاها و به دنبال آن قیمت عوامل تولید و افزایش روند تجارت منجر شود. از سویی، جهانی شدن ضمن بین‌المللی کردن بازار جهانی، محیطی کاملاً رقابتی ایجاد کرده است که در آن، تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارا مجال بقا خواهند داشت. از این رو، دولت‌های ملی به منطقه‌گرایی روی آورده‌اند تا از این طریق، اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و همچنین به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست یابند، مسایل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند^۲. از آنجا که

1- Lopez, 2010, PP. 1-7.

۲- فتحی، ۱۳۸۱- الف، ص ۱۷.

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۷۹

کشورهایی که به منطقه‌گرایی روی می‌آورند، از نظر مالی در یک منطقه قرار دارند، فعالیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای آنها نیز افزایش می‌یابد و فعالیت‌های اقتصادی در یک محدوده جغرافیایی معین، سازماندهی می‌شود که این امر نقش مهمی در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. بنابراین، آثار هم‌گرایی منطقه‌ای می‌تواند به هم‌گرایی اقتصادی بینجامد و موجب تسریع در رشد کشورهای شود که از نظر شاخص‌های اقتصادی فاصله بیشتری با کشورهای توسعه‌یافته دارند.^۱ این موضوع غالباً از طریق انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری و ایجاد شبکه‌های تولید در کشورهای درحال توسعه به وقوع می‌پیوندد و به‌نوبه خود موجب ارتقای رفاه و سطح درآمد کشورهای درحال توسعه و نزدیک شدن و هم‌گرایی سطح درآمدهایشان می‌شود. این هم‌گرایی منطقه‌ای، در قالب شکل‌های تشکیلاتی چندی وجود دارند که اجازه برقراری تبعیض را به کشورها، علیه گروهی انتخابی از کشورهای دیگر می‌دهند که برجسته‌ترین آنها عبارت است از: حوزه‌های تجارت آزاد، اتحادیه‌های گمرکی و بازارهای مشترک.

۳- مبانی نظری

بیشتر صاحب‌نظران مباحث تجارت بین‌الملل معتقدند، جهانی شدن اقتصاد و آزادسازی تجاری، هزینه‌های غیرقابل انکاری را برای کشورهای درحال توسعه به دنبال دارد. هرچند اعتقاد غالب بر آن است که این هزینه‌ها ۱- نسبت به هزینه‌های انزوای جهانی کمتر است. ۲- در صورت مواجهه آگاهانه و مؤثر کشورها، تا حدود زیادی قابل تقلیل و در میان‌مدت و بلندمدت قابل جبران است.^۲ به همین علت کشورها برای حفظ موقعیت خود، به رویکرد منطقه‌گرایی و ایجاد ترتیبات تجاری مختلف برای مصونیت از پیامدهای منفی جهانی شدن روی آوردند.^۳

فرضیه منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰، در سطح جهان رشد کرد و بیشتر تحت تأثیر کشورهای اروپایی (و تحت تأثیر اتحادیه اروپا) قرار داشت، زیرا به افزایش رشد اقتصادی این کشورها و بهبود تولید و تجارت آنها منجر شد. این فرضیه، بر ایده ایجاد واحد اقتصادی بزرگ‌تری تأکید

۱- فتحی، ۱۳۸۸.

۲- همان مأخذ، ص ۱۴.

۳- فتحی، ۱۳۸۱، ب، صص ۱۶۰-۱۳۱.

دارد که مرزهای جغرافیایی را تغییر می‌دهد و همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو ایجاد می‌کند. بنابراین، از مزایای اصلی یکپارچگی اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- سرعت بخشیدن به رشد و توسعه کشورهای عضو بلوک تجاری.

ب- بهره‌گیری از فناوری برتر ناشی از انتقال فناوری از کشورهای توسعه‌یافته بلوک به کشورهای کمتر توسعه‌یافته بلوک و مواجهه با بازارهای وسیع‌تر در مقابل بازارهای داخلی.

به صورت کلی، روند شکل‌گیری اتحادیه گمرکی به صورت زیر است:

واینر^۱ (۱۹۵۰)، پیش‌از آنکه نظریه اتحادیه گمرکی، مطرح کرد که در مورد تأثیرهای کلی تشکیل اتحادیه بر رفاه اقتصادی مردم در کشورهای عضو بلوک، نمی‌توان نظر قاطعی داد. نظریه واینر توسط بسیاری از اقتصاددانان مانند لپسی^۲ (۱۹۵۷) و گهرلز^۳ (۱۹۵۶) مورد نقد و مطالعه مجدد قرار گرفت. این در حالی بود که این دانشمندان، تجارت آزاد را بر تشکیل اتحادیه اقتصادی برتری می‌دادند، اما پژوهشگران دیگری مانند وونوکات^۴ (۱۹۸۱) نشان دادند، در شرایطی که کشورهای ثالث تعرفه وضع کنند و هزینه‌های حمل‌ونقل نیز وجود داشته باشد، طرح یکپارچگی می‌تواند برتر از تجارت آزاد باشد. پژوهشگران دیگری مانند کوپر و ماسل (۱۹۶۵) در شرایطی اتحادیه گمرکی را منجر به نفع خالص و در نتیجه، رفاه می‌دانند و در شرایطی این اتحادیه را عامل ایجاد انحراف تجارت مطرح می‌کنند.^۵ آنها می‌گویند که ممکن است برخی کشورها از تشکیل اتحادیه گمرکی زیان ببینند.^۶

۴- مروری بر مطالعات انجام شده

در زمینه هم‌گرایی اقتصادی و ایجاد بلوک‌های تجاری در سطح منطقه، پژوهش‌هایی هم در خارج و داخل کشور صورت گرفته است، از جمله، ماتئاس باس و دیگران^۷ (۲۰۰۰)، با مطالعه «برقراری

-
- 1- Viner
 - 2- Lipsey
 - 3- Gehrles
 - 4- Wonnocot
 - 5- EL.Agraa and Ali.M, 1999.
 - 6- Ibid, p. 116.
 - 7- Busse,M, M. Huth and G. Koopmann.

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۸۱

موافقت‌نامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا و مکزیک» به این نتیجه رسیدند که ایجاد تجارت در مکزیک بیش از انحراف تجارت بوده است.

کونوت و فوکوشینگ^۱ در سال ۲۰۰۳، روابط بین آمریکا و مکزیک را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که توافقات تجاری آزاد، تعادل تجاری و رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد.

کرر^۲ (۲۰۰۴)، به این نتیجه رسید که توافقات منطقه‌ای باعث افزایش تجارت بین اعضای بلوک می‌شود.

گوش و رائو^۳ (۲۰۰۵)، آثار ظرفیت اقتصادی اتحادیه گمرکی کانادا و آمریکا را بر کشورهای نفتا بررسی کردند. آنها با فرض تعرفه‌های مشترک آمریکا و کانادا در مقابل کشورهای غیرنفتا به همراه حذف قوانین اصلی قید شده نفتا برای اتحادیه مشترک، نشان دادند، همه کشورهای عضو نفتا از این ترتیبات سود خواهند برد که بیشترین منفعت به مکزیک و سپس به کانادا و آمریکا خواهد رسید.

پرادومنا^۴ (۲۰۰۷)، هم‌گرایی اقتصادی و هم‌زمانی سیکل‌های تجاری در شرق آسیا در حوزه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و پولی و مالی را با سه روش همبستگی ساده، روش VAR و روش داده‌های تابلویی با استفاده از مدل جاذبه توضیح داد و به این نتیجه رسید که هم‌گرایی مالی و تجاری در این منطقه، با وسعت کمتری افزایش یافته است. وی همچنین به این نتیجه رسید که با هم‌گرایی بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و افزایش آن، هم‌زمانی سیکل‌های تجاری بیشتر می‌شود. لوپز (۲۰۱۰)، هم‌گرایی منطقه‌ای پانزده کشور اتحادیه اروپا را برای دوره زمانی ۱۹۸۲-۱۹۹۹ بررسی کرد و به این نتیجه رسید که رابطه‌ای منفی بین سطوح درآمدی و نرخ‌های رشد بوده که نشان‌دهنده هم‌گرایی است.

از بین مطالعات داخلی که در این زمینه انجام شده است، می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد:
رنجبر (۱۳۷۸)، در مطالعه‌ای به بررسی هم‌گرایی کشورهای گروه D8، با استفاده از مدل سری زمانی و شاخص‌های نابرابری پرداخت.

- 1- Konnot and Fu kushige.
- 2- Carrere
- 3- Ghosh and Rao
- 4- Pradumna

فتحی (۱۳۸۵)، با مطالعه میزان اثربخشی ترتیبات تجاری منطقه‌ای در توسعه تجارت خارجی کشورهای اسلامی به این نتیجه رسید که بخش عمده‌ای از تجارت درون این گروه کشورها بر پایه مزیت نسبی صادراتی بوده است.

خلیلی عراقی و مسعودی (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای با استفاده از روش نهار و ایندر در سال ۲۰۰۲، امکان هم‌گرا شدن کشورهای منتخب منطقه منا را با کشور ژاپن بررسی کردند. نتایج این مطالعه مبنی بر نبود هم‌گرایی بیشتر کشورهای منطقه با کشور ژاپن بوده است. طبیعی و کریمی در ۱۳۸۱، با مطالعه مناسب‌ترین ترتیب تجاری - منطقه‌ای برای اقتصاد ایران براساس شاخص‌های هم‌گرایی و جهانی شدن، نشان دادند که حجم جریان‌های تجاری دوجانبه کشورهای عضو اکو در هم‌گرایی اقتصادی افزایش داشته است.

زاغیان و عسگری نیز در سال ۱۳۸۵، آثار پیوستن ایران را به موافقت‌نامه بانکوک بر صادرات غیرنفتی کشور با استفاده از شاخص مزیت نسبی مورد بررسی قرار دادند و آن را مثبت ارزیابی کردند.

بنابراین، براساس مطالب پیش‌گفته، مشخص نیست تشکیل یک اتحادیه اقتصادی موفق در هر منطقه‌ای امکان‌پذیر هست یا خیر، اما از طرفی، رویکرد یکپارچگی اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه که منطقه‌گرایی را روشی در مقابل دشواری‌های ناشی از پیوستن به اقتصاد جهانی به شمار می‌آورند، بیشتر مطرح است. بنابراین، ما در این تحقیق به بررسی تشکیل یک بلوک احتمالی در کشورهای منطقه خاورمیانه می‌پردازیم.

۵- خاورمیانه و اقتصادی چالش‌پذیر

منطقه خاورمیانه، به کشورها یا مناطق آسیای جنوب غربی و قسمت‌هایی از شمال آفریقا، اطلاق می‌شود و به‌طور عمده دربرگیرنده کشورهای بحرین، مصر، ایران، عراق، رژیم اشغالگر قدس، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، فلسطین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، یمن، مصر، افغانستان و پاکستان است. همان‌طور که از کشورهای منطقه مشخص است، بیشتر کشورهای این منطقه، جزء کشورهای درحال توسعه یا در مواردی، توسعه‌نیافته هستند و به همین دلیل، بیشتر خصوصیات کشورهای درحال توسعه مانند افزایش رشد جمعیت و رشد سریع نیروی کار بیش از نرخ رشد اشتغال در این منطقه یافت می‌شود. کشورهای این منطقه به لحاظ اقتصادی در شرایط

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۸۳

مساوی نیستند، به طوری که تعدادی از کشورهای منطقه مانند عربستان به رشد اقتصادی قابل توجهی دست یافته‌اند و از درآمد سرانه بالایی برخوردار هستند، در حالی که کشورهایمانند سومالی و سودان با فقر منابع و محدودیت توسعه مواجه هستند. از سویی، رشد اقتصادی در برخی کشورهای منطقه به سبب جنگ‌های بین‌المللی مختل شده است.^۱

در بیشتر کشورهای خاورمیانه، نسبت درآمد سرانه به توسعه انسانی در سطح بسیار بالایی است، در حالی که کشورها در دیگر نقاط جهان در همان سطح از درآمد سرانه، از نظر بهداشت، آموزش و سایر شاخص‌های توسعه انسانی در وضعیت بسیار بهتری قرار دارند.^۲ از خصوصیات اصلی اقتصادهای خاورمیانه، گسترش اقتصاد رانتیر و استفاده از درآمدهای حاصل از فروش نفت، کمک‌های خارجی و سایر عایدات دولت در کشورهای منطقه است.^۳

در این راستا، بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند، برخلاف دیگر دولت‌ها که از راه مالیات یا منابع ایجاد شده داخلی، درآمد کسب می‌کنند، بسیاری از دولت‌ها در خاورمیانه درآمدهای خود را از رانت و مشخص‌تر، از رانت خارجی به دست می‌آورند. به علاوه در این دولت‌ها، تنها شماری اندک به ایجاد این رانت (ثروت) اشتغال دارند و بیشتر تنها به توزیع یا بهره‌برداری از آن می‌پردازند.^۴

از دیگر ویژگی‌های اقتصادی منطقه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ساختار اقتصادی بسیار متفاوت بین کشورهای منطقه.^۵
- ۲- تأخیر در اصلاحات سیاسی برای حکومت‌های استبدادی منطقه که مانند سدهای در مقابل اصلاحات اقتصادی است.
- ۳- سلطه بیش از حد بخش‌های دولتی (میراث برنامه‌ریزی متمرکز) به رغم پیشرفت‌هایی که در زمینه خصوصی‌سازی صورت گرفته است.
- ۴- وابستگی شدید برخی از کشورهای منطقه (عربستان سعودی و کویت و...) به درآمدهای نفتی و فقدان مدیریت صحیح بر اقتصاد در این کشورها.
- ۵- رشد اقتصادی آهسته و ارتباط ضعیف با اقتصاد جهانی در منطقه.

1- www.worldbank.org
2- Ibid
3 - Bilgin, 2005.
4- Ibid
5- www.worldbank.org.

- ۶- پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری در سهام و اوراق بهادار به سبب توسعه‌نیافتگی بازار اوراق بهادار در منطقه.
- ۷- کندی سرعت اصلاحات اقتصادی به دلیل به کارگیری ابزارهای سیاست پولی غیرمستقیم، آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انعطاف‌پذیری در نرخ ارز.
- ۸- نظام‌های ارزی نامناسب.
- ۹- محدودیت شدید تجارت.

۶- شرایط و موانع موجود برای هم‌گرایی اقتصادی در منطقه خاورمیانه

از جمله موضوع‌هایی که بسیاری از کشورهای درحال توسعه را به سمت همکاری‌های منطقه‌ای می‌کشاند، فشارهای WTO است. WTO می‌خواهد پس از طی کامل مراحل عضویت، تعرفه‌های واردات و صادرات را به حداقل کاهش دهد. از این رو، کشورهای درحال توسعه با شکل‌دهی به ترتیبات منطقه‌ای، به دنبال افزایش مزیت نسبی خود در تجارت منطقه‌ای و آماده شدن برای کاهش تعرفه‌ها در چهارچوب WTO هستند.

از سویی، نگرانی از بسط سلطه آمریکا، به‌خصوص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، بسیاری از کشورهای جنوب را به سمت همکاری‌های منطقه‌ای می‌کشاند، اما کشورهای منطقه خاورمیانه، با وجود مشترکات زیادی که دارند، به دلیل موانع و مشکلاتی مانند مسایل مطرح شده در بالا و مسایلی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، هنوز موفق به انجام چنین امری نشده‌اند. از جمله این اشتراکات می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

- ۱- اشتراکات فرهنگی و مذهبی بسیار در کشورهای منطقه.
- ۲- بیشتر کشورهای این منطقه، جزء کشورهای درحال توسعه‌اند که به‌شدت به دنبال توسعه پایدار و رسیدن به رشد و رفاه اقتصادی از طریق حرکت به سمت آزادسازی‌های اقتصادی و خصوصی در سطح محدودتر (برای اینکه قدرت رقابت با بازارهای جهانی را داشته باشند)، هستند.
- ۳- بیشتر اعضای منطقه، به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از ابزار سازمان‌های منطقه‌ای در این بخش، می‌تواند از طریق ایجاد مناطق آزاد تجاری، با انعقاد موافقت‌نامه‌هایی برای

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۸۵

حرکت آزاد کالا و سرمایه و اجرای پروژه‌های مشترک صنعتی و تحقیقاتی، شرایط مؤثرتری را برای افزایش قدرت اثرگذاری کشورهای عضو این منطقه در اقتصاد و تجارت جهانی ایجاد کند.

۴- ۶۵/۴ درصد از کل ذخایر نفت جهان، متعلق به این منطقه است^۱، از سویی، وابستگی کشورهای مناطق مختلف جهان، به‌ویژه آمریکا به واردات مستقیم نفت خام، فرآورده و واردات غیرمستقیم بعضی کالاها و خدمات وابسته به نفت خام در جهان تا سال ۲۰۳۰ رو به افزایش است (با وجود سیاست‌های جایگزین انرژی^۲).

۵- بعضی از کشورهای منطقه، مانند عربستان، امارات و قطر، به‌شدت به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند.

۶- وجود توانایی‌های سرمایه‌گذاری در برخی کشورهای منطقه، حاصل فروش مواد اولیه است که این امر، آنها را بر آن داشته که در امر سرمایه‌گذاری، تنوع ایجاد کنند. از این رو، تمایل زیادی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای هم‌جوار منطقه‌ای دارند و...

با وجود اشتراکات اشاره شده و موارد بسیار دیگری که به آنها اشاره نشد، موانع بسیاری نیز در این مسیر وجود دارند که از نظر بسیاری از اندیشمندان، نسبت به اشتراکات جای بحث بیشتری دارند و از جمله نکات کلیدی آنها می‌توان به موارد زیر پرداخت:

- ۱- مردم‌سالاری در منطقه نهادینه نشده است^۳.
- ۲- نظام‌ها، دارای ساختی متمرکز و اقتدارگرا هستند و حقوق شهروندی همچنان در ابهام است. از سویی، اختلاف گروه‌های سیاسی و تنش در زمامداری، رو به افزایش بوده و درگیری‌ها و اختلافات مذهبی و قومی و قبیله‌ای به این تنش‌ها، دامن می‌زند^۴.
- ۳- حضور قدرت‌های خارجی و حمایت از بعضی رژیم‌های منطقه، باعث شده است که بسیاری از این کشورها با بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو باشند^۵.

۱- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶.

۲- پیش‌بینی IEA در مورد مصرف جهانی انرژی‌های اولیه.

3- Pfeifer, 1996.

4- Ibid, P.98

۵- گروه نویسندگان، ۱۳۸۲.

- ۴- افزایش رشد جمعیت جوان و تحصیلکرده در این کشورها و دوراهی انتخاب سرمایه گذاری برای توسعه ذخایر یا سرمایه گذاری در امور اجتماعی و همچنین افزایش نرخ بیکاری افراد تحصیلکرده در مقابل بیکاری گروه‌های دیگر^۱.
- ۵- در این منطقه، به دلیل وجود درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه، نقش دولت‌ها در اقتصاد زیاد است و اقتصادهای منطقه بیشتر دولتی هستند و بخش خصوصی ضعیفی دارند.
- ۶- اختلاف شدید بین GDPهای اسمی و درآمدهای سرانه در کشورهای مختلف منطقه^۲.

۷- روش‌شناسی تحقیق و معرفی مدل مورد استفاده

مدلی که در این تحقیق از آن استفاده شده، «مدل جاذبه»^۳ است. مدل جاذبه بیان می‌کند که جریان‌های تجارت دوجانبه به‌طور مثبت به اثر اندازه‌های اقتصادی دو کشور و به‌طور منفی به مسافت بین آنها بستگی دارد. شکل ساده مدل جاذبه به صورت زیر تعریف می‌شود^۴.

$$T_{ij} = A_i (Y_i \cdot Y_j / D_{ij})$$

که در این مدل:

T_{ij} - جریان‌های تجاری دوجانبه (صادرات + واردات) بین کشور i و j

Y_i - تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور i

Y_j - تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور j

A - مقدار ثابت است.

با نگاهی به مدل یادشده، می‌توان علت نام گذاری این مدل را دریافت، به این دلیل که شباهت زیادی به قانون جاذبه نیوتن^۵ دارد. نیوتن نیروی جاذبه را تابعی مستقیم از اندازه جرم دو جسم و تابعی معکوس از فاصله بین آنها در نظر می‌گیرد^۶:

$$F = (G \cdot (M_1 M_2)) / D^2$$

۱- بانک جهانی.

2-www.worldbank.org.

3- Gravity model

۴- دردورف (۱۹۹۸)، از این معادله به‌عنوان مدل جاذبه استاندارد استفاده کرد.

5-Newton Gravity Law

6- Taylor, 2003.

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۸۲

بهترین متغیری که می‌تواند اندازه اقتصادی کشورها را نشان دهد، متغیر تولید ناخالص داخلی (GDP) است (البته در مطالعات مختلف از متغیرهای دیگری مانند GDP Per Capita و GDP نیز استفاده می‌شود)، با افزایش تولید ناخالص داخلی توانایی کشور برای جذب و تولید محصولات، بیشتر می‌شود، یعنی عرضه و تقاضا برای تجارت بین دو کشور بیشتر می‌شود، به عبارت دیگر، تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبتی بر جریان‌های تجاری دوجانبه دارد.

تأثیر فاصله جغرافیایی در این مدل منفی است^۱. در تمام مطالعاتی که با استفاده از مدل‌های جاذبه انجام شده است، از متغیر فاصله جغرافیایی بین دو کشور (به کیلومتر یا مایل) به‌عنوان نماینده‌ای که دربرگیرنده هزینه‌های حمل‌ونقل است، نام می‌برند^۲ که ضریب فاصله در تمام این مطالعات، منفی بوده و بیان‌کننده آن است که با افزایش فاصله جغرافیایی بین دو کشور، حجم روابط تجاری بین آنها کاهش می‌یابد، زیرا هزینه‌ها و مدت نقل و انتقال کالا افزایش می‌یابد که با مطرح شدن اینترنت و نقش آن در اقتصاد و تجارت بین‌الملل و آزادسازی بازارها و حذف نظارت‌ها، گمان می‌رفت نقش فاصله در تجارت بین‌الملل از بین رفته است^۳. از این رو، عده‌ای از محققان درصدد بررسی مجدد نقش فاصله جغرافیایی در هزینه‌های حمل‌ونقل و تجارت بین کشورها برآمدند.

متغیر مهم دیگری که در کارهای تجربی، به‌عنوان نماینده‌ای که دربرگیرنده وضعیت حمل‌ونقل و هزینه‌های مرتبط با آن است، به کار می‌رود، وجود مرز مشترک است، زیرا به نظر می‌رسد ۱- کشورهای همسایه به‌طور معمول دارای شبکه‌های حمل‌ونقل یکپارچه‌ترند و از همبستگی بیشتری نسبت به یکدیگر برخوردار هستند که میزان انتقال (کالا، مسافر و...) را از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر کاهش می‌دهد. ۲- کشورهای همسایه (در صورت نداشتن مشکلات سیاسی با یکدیگر) به‌طور اساسی دارای توافقات گمرکی و ترانزیتی بیشتر و هماهنگ‌تری با یکدیگر هستند که زمان ترانزیت و بارگیری و هزینه‌های بیمه را نیز کاهش خواهد داد^۴. به همین دلایل WTO از داشتن مرز مشترک بین کشورها، به‌عنوان تأثیر هم‌مرزی^۵ یاد می‌کند.

1- Boughes et al, 1999.

2- Boughes et al 1999, WTO/UNCTAD(2003) and Weinhold.D,C.Freund (2000).

3- The Death of Distance

4- Limao.N,A.Venables, 2001.

5- Border Effect

وسعت بازار کشور و به دنبال آن، تنوع تولید و نیاز کمتر به تجارت با کشورهای دیگر، با مقدار جمعیت کشور مشخص می‌شود. عامل بسیار مهم دیگری که کاربردهای زیادی در مدل‌های جاذبه دارد، هم‌گرایی اقتصادی و عضویت در یک بلوک تجاری است. برای نشان دادن تأثیر این هم‌گرایی، متغیرهای مجازی را تعریف می‌کنیم که وقتی دو کشور عضو یک بلوک تجاری باشند، ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر اختیار می‌کنند. براساس این، در مدل اول تحقیق حاضر متغیر مجازی RTA_i وارد شده است.

مدل‌های مطرح شده در تحقیق حاضر که برای برآورد آثار تشکیل یک بلوک اقتصادی در منطقه خاورمیانه از آن استفاده می‌شود، به صورت زیر هستند:

$$LX_{ijt} = B_0 + B_1 LGDP_{it} + B_2 LGDP_{jt} + B_3 LPOP_{it} + B_4 LPOP_{jt} + B_5 LAN_{ijt} + B_6 LD_{ij} + B_7 L AREA_i + B_8 L AREA_j + B_9 RTA_i + U_{ijt}(1)$$

$$LX_{ijt} = B_0 + B_1 LGDP_{it} + B_2 LGDP_{jt} + B_3 LPOP_{it} + B_4 LPOP_{jt} + B_5 LAN_{ijt} + B_6 LD_{ij} + B_7 L AREA_i + B_8 L AREA_j + B_9 UNION_i + B_{10} UNION_j + B_{11} UNION_i UNION_j + U_{ijt}(2)$$

L : اپراتور لگاریتم

X : صادرات کشور i به کشور j در زمان t

GDP_{it} : تولید ناخالص داخلی واقعی کشور i در زمان t

GDP_{jt} : تولید ناخالص داخلی واقعی کشور j در زمان t

POP_i POP_j : جمعیت کشورهای صادرکننده و واردکننده.

زبان مشترک دو کشور است. اگر زبان دو کشور یکسان باشد به آن عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌دهیم. LAN_{ijt} :

D_{ij} : فاصله فیزیکی پایتخت کشور i از کشور j برحسب کیلومتر

$AREA_i$ $AREA_j$: مساحت کشورهای واردکننده و صادرکننده

RTA_i : متغیر مجازی هم‌گرایی تجاری

در مدل حاضر اگر کشورهای واردکننده عضو یک بلوک تجاری باشند، به کشور مربوط عدد

۱ و در غیر این صورت به آن عدد صفر می‌دهیم.

$UNION_i$: کشورهای واردکننده منطقه خاورمیانه که عضو اتحادیه تشکیل شده فرضی می‌شوند.

اگر کشورهای واردکننده منطقه عضو بلوک تجاری فرضی باشند، به کشور مربوط عدد ۱ و در

غیر این صورت به آن عدد صفر می‌دهیم.

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۸۹

UNIONj: کشورهای صادرکننده منطقه خاورمیانه که عضو اتحادیه تشکیل شده فرضی می‌شوند. اگر کشورهای صادرکننده منطقه عضو بلوک تجاری فرضی باشند، به کشور مربوط عدد ۱ و در غیر این صورت به آن عدد صفر می‌دهیم.

UNIONi UNIONj: اگر هم کشور واردکننده و هم کشور صادرکننده منطقه عضو بلوک تجاری فرضی باشند، به متغیر مربوط عدد ۱ و در غیر این صورت به آن عدد صفر می‌دهیم.

U: عبارت خطا

۸- تخمین مدل

۸-۱- نتایج مربوط به مدل اول

نتایج تخمین مدل اول با استفاده از آزمون F به شرح زیر است:

جدول ۱- نتایج انتخاب الگو در مدل اول (آزمون F مقید)

عنوان	مقدار آماره آزمون (statistic)	درصد خطا (prob)
نتایج	۸۵.۳۵	۰.۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

براساس نتایج جدول شماره ۱، مشخص است که مقدار F محاسباتی در مقایسه با F جدول بزرگ‌تر است، در نتیجه، فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأها (استفاده از ols) رد می‌شود و در مرحله بعد با استفاده از آزمون هاسمن به بررسی اثرهای ثابت (Fixed effect) یا تصادفی می‌پردازیم.

نتایج جدول شماره ۲، به خوبی نشان می‌دهد که روش اثرهای ثابت بهترین روش برآورد الگو است.

جدول ۲- نتایج انتخاب الگو (آزمون هاسمن)

عنوان	مقدار آماره آزمون	درصد خطا
نتایج مدل	۰.۰۰	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول شماره ۳، نتایج مدل اول (مدل ۱) را با استفاده از تخمین به روش اثرهای ثابت برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۲ توضیح می‌دهد. براساس آمار موجود در این جدول، ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۶۵ است.

نتایج آزمون F نشان می‌دهد که مدل بدون خطا بوده و از سطح معناداری قابل قبولی برخوردار است. همچنین با بررسی نتایج مربوط به آزمون دوربین - واتسون مشخص می‌شود که مدل فاقد خودهمبستگی است. ضرایب مربوط به تخمین مدل جاذبه نشان‌دهنده موارد زیر است:

ضرایب مربوط به GDP، برای هر دو کشور صادرکننده و واردکننده مثبت است، یعنی در کشورهای منطقه خاورمیانه، با افزایش تولید ناخالص داخلی، میزان تجارت افزایش می‌یابد، به صورتی که ۱ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی کشورهای واردکننده منطقه خاورمیانه، میزان تجارت کشورهای منطقه را به میزان ۴/۱۷ افزایش می‌دهد. از سویی، ۱ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی کشورهای صادرکننده این منطقه، میزان تجارت کشورهای منطقه را به میزان ۳/۳۵ افزایش می‌دهد.

ضرایب مربوط به POP، برای کشورهای واردکننده و صادرکننده منطقه خاورمیانه صفر است و این موضوع به آن مفهوم است که میزان افزایش یا کاهش جمعیت در کشورهای این منطقه تأثیر چندانی بر تجارت بین کشورهای منطقه نخواهد داشت. از سوی دیگر، منفی بودن ضریب فاصله بین کشورها، تأثیر منفی این مورد را بر حجم تجارت کشورهای منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد. جدای از آن، بزرگ بودن این ضریب، به وضوح نشان‌دهنده آن است که در منطقه خاورمیانه، هرچه فاصله کشورها بیشتر شود، تجارت آنها به همان میزان کاهش می‌یابد، به صورتی که هر یک درصد افزایش در فاصله بین کشورها، میزان تجارت آنها را ۲۴/۱ واحد کاهش می‌دهد. ضرایب مربوط به مساحت کشورهای واردکننده و صادرکننده منطقه بسیار ناچیز و در حد صفر است و این عامل به خوبی مشخص می‌کند که بزرگی و کوچکی مساحت کشورهای منطقه خاورمیانه تأثیر چندانی در میزان تجارت آنها نخواهد داشت. منفی بودن ضریب زبان مشترک در کشورهای این منطقه نشان‌دهنده آن است که کشورهای دارای زبان مشترک، رابطه تجاری کمتری با یکدیگر برقرار می‌کنند؛ از مهم‌ترین علل این موضوع می‌توان به صادرات تک‌محصولی بیشتر کشورهای منطقه اشاره کرد. متغیر مجازی بسیار بااهمیتی که ما در مدل اول به تخمین آن پرداخته‌ایم، RTA است. در تخمین این متغیر ما کشورهای منطقه را به تفکیک اتحادیه‌های تجاری که در آنها بودند، مورد بررسی قرار دادیم، به صورتی که اگر کشوری عضو یک اتحادیه بود، به آن عدد ۱ و در غیر این صورت به آن عدد صفر دادیم. نتایج حاکی از منفی بودن ضریب این متغیر است، به این مفهوم که عضو اتحادیه‌های تجاری بودن در کشورهای منطقه، باعث

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۹۱

کاهش تجارت کشورهای منطقه با یکدیگر و در نتیجه، گرایش کمتر برای تشکیل یک اتحادیه تجاری در بین کشورهای منطقه است.

جدول ۳- نتایج مدل جاذبه ۱ با لحاظ حضور کشورها در اتحادیه‌های اقتصادی

متغیرها	ضرایب	آزمون - t
LOG(GDPI?)	۴.۱۷	۵.۴۰
LOG (GDPI?)	۳.۳۵	۴.۲۱
LOG (POPI?)	۰.۰۰	۱.۵۰
LOG (POPJ?)	۰.۰۰	۳.۵۰
LOG (DISIJ?)	-۲۴.۱۹	-۴.۶۵
LOG (AREAI?)	۰.۰۴	۲.۰۹
LOG (AREAJ?)	۰.۰۳	۲.۳۰
LANIJ?	-۲۷۶۴۳	۰.۸۸
RTAI?	-۲۱۸۵	۴.۱
R-squared	۰.۶۵۲۵	
D-W	۱.۸۵	
F	۱۰.۰۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق (در سطح ۵ درصد و ۱۰ درصد).

از این رو، ما در یک بررسی جدید همه کشورهای منطقه به جز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (عربستان، کویت، عمان، قطر، امارات و بحرین) را که هم‌گرایی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیاری با یکدیگر دارند^۱ عضو یک اتحادیه فرضی قرار دادیم تا میزان هم‌گرایی تجاری در این کشورها را مورد بررسی قرار دهیم (مدل ۲). نتایج با تخمین مدل دوم با استفاده از آزمون F به صورت زیر است.

جدول ۴- نتایج انتخاب الگو در مدل دوم (آزمون F مقید)

درصد خطا (prob)	مقدار آماره آزمون (statistic)	عناوین
۱.۲۵	۵.۲۱۴	نتایج

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، مشخص است که مقدار F محاسباتی در مقایسه با F جدول کوچک‌تر بوده، در نتیجه، فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأها (استفاده از ols) پذیرفته می‌شود و بنابراین، تخمین مدل دوم با استفاده از روش Pooled صورت می‌گیرد.

جدول ۵- نتایج حاصل از مدل جاذبه با فرض تشکیل اتحادیه

متغیرها	ضرایب	آزمون t
LOG(GDPI?)	4.26	5.23
LOG(GDPJ?)	3.61	4.35
LOG(POPI?)	0.00	1.92
LOG(POPJ?)	0.00	3.8
LOG(DISIJ?)	-22.16	-4.17
LOG(AREAI?)	0.04	1.92
LOG(AREAJ?)	0.04	2.38
LANIJ?	-6563	-0.197
UNIONI?	-72080	-1.8
UNIONJ?	-87016	-1.5
UNIONIUNIONJ?	140478	2.3
R-squared	۰.۶۸۷	
F	8.66	

مأخذ: یافته‌های تحقیق (در سطح ۵ درصد و ۱۰ درصد).

۸-۲- نتایج مربوط به مدل دوم

برای پاسخ به پرسش مطرح شده در این مقاله که بررسی هم‌گرایی اقتصادی در منطقه خاورمیانه را شامل می‌شود، لازم است روی مدل دوم که دربرگیرنده اتحادیه فرضی منطقه متشکل از همه کشورهای خاورمیانه به غیر از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است، تمرکز کنیم. نتایج مربوط در جدول شماره ۲، مشخص شده‌اند.

بررسی ایجاد یک بلوک تجاری در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه ۱۹۳

در مدل ۲ ضرایب مربوط به اتحادیه فرضی اقتصادی منطقه خاورمیانه، همان گونه که به آن اشاره شد، به صورت متغیرهای مجازی مورد بررسی قرار می‌گیرند. ضریب تبیین (R^2) در این جدول مقدار ۰/۶۸ و آزمون F نیز در سطح ۱۰ درصد و ۵ درصد معنادار است.

ضرایب مربوط به مدل جاذبه اصلی با ضرایب مدل (۱)، تفاوت چندانی ندارد و به لحاظ علامت، کاملاً با علامت‌های ضرایب مدل تخمینی یک برابر است، اما متغیرهای جدیدی که در مدل دوم مطرح شده‌اند، $UNION_i$ و $UNION_j$ حاصل ضرب آنها است.

بر اساس ضرایب تخمین زده شده در مدل دوم، ضریب مربوط به $UNION_i$ منفی است، یعنی اگر کشورهای واردکننده منطقه خاورمیانه عضو یک اتحادیه فرضی شوند، تأثیری منفی بر تجارت بین آنها خواهد داشت؛ بزرگ بودن این ضریب نیز تأثیر معکوس بیشتر بر تجارت را نشان می‌دهد. برای کشورهای صادرکننده منطقه نیز وضع به همین منوال است، به صورتی که ضریب $UNION_j$ منفی و هم بسیار بزرگ است. بنابراین، اگر کشورهای صادرکننده منطقه عضو این بلوک تجاری فرضی شوند، میزان تجارت آنها کاهش می‌یابد. بنابراین، با وجود نتایج مطرح شده از مدل دوم واضح است که تشکیل یک اتحادیه تجاری در کشورهای منطقه خاورمیانه، به افزایش تجارت این کشورها با یکدیگر نمی‌انجامد و در نتیجه، فرضیه تشکیل بلوک منطقه‌ای در خاورمیانه نادرست است.

۹- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مدل‌های جاذبه که با استفاده از نرم‌افزار Eviews و با روش Panel Data و با در نظر گرفتن کشورهای منطقه خاورمیانه انجام شد، نشان داد:

- ۱- متغیرهای تولید ناخالص داخلی، مسافت بین کشورها، مساحت کشورها و زبان مشترک کشورها، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر میزان تجارت بین کشورها دارند.
- ۲- تخمین مدل جاذبه دوم طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۲ نشان داد، کشورهایی که عضو یک اتحادیه اقتصادی هستند، تمایل کمتری برای تجارت با کشورهای دیگر در منطقه دارند. از سویی، اگر کشورهای واردکننده و صادرکننده منطقه عضو بلوک اقتصادی فرضی شوند، تجارت بین کشورهای منطقه کاهش می‌یابد که این موضوع به‌طور اساسی به مفهوم کارا نبودن تشکیل یک بلوک اقتصادی در منطقه است.

منابع

الف- فارسی

- خلیلی عراقی، منصور (۱۳۸۶)، بررسی مسیر شکاف درآمدی کشورهای منطقه منا نسبت به ژاپن، طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۷۵، با توجه به تئوری هم گرایی، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۹.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵)، هم گرایی اقتصادی - ترتیبات تجاری منطقه ای و بازارهای مشترک، سمت، چاپ اول.
- رضائی، روح الله (۱۳۴۵)، خاورمیانه و بازار مشترک اروپا، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات فرانکلین.
- رنجبر، امید و زهرا علمی (۱۳۸۷)، تفسیر مدل سری زمانی و شاخص های نابرابری از شکل گیری هم گرایی در کشورهای گروه دی - ۸، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۳۵.
- طیبی، کمیل و اکبر توکلی (۱۳۷۷)، جهانی شدن اقتصاد و رقابت بین المللی، ارایه شده در اولین همایش بین المللی همکاری های اقتصادی - بازرگانی بین کشورهای عضو کنفرانس اسلامی.
- عیساوی، چارلز (۱۳۶۸)، تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی، ترجمه عبدالله کوثری، انتشارات پایروس، چاپ اول.
- فتحی، یحیی (۱۳۸۱ الف)، موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای صادرات ایران در بازارهای هدف، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- فتحی، یحیی (۱۳۸۱ ب)، مقایسه تطبیقی تأثیرات دو رویکرد جهانی شدن اقتصاد و منطقه گرایی بر تجارت جهانی، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۲۱.
- فتحی، یحیی (۱۳۸۸)، دیپلماسی تجاری: اصول و مبانی، عوامل تعیین کننده و تجربه کشورهای منتخب، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- گروه نویسندگان (۱۳۸۲)، اقتصاد خاورمیانه در آستانه تغییر (مجموعه مقالات)، پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ اول.

- Arab Monetary Fund- foreign Trade of Arab countries & PC-TAS (Personal Computer Trade Analysis System)
- Bilgin,Pinar (2005), New york:Routledg, Regional Security in the Middle East
- Bougheas,S.P.Demetriades and E.Morgenroth (1999), Infrastructure , Transport costs and Trade , Journal of International Economics, 47.
- Busse,M.,M.Huth and G.Koopmann(2000), Prefertial Trade Agreements:The Case of Eu-Mexico HWWA Discussion paper,Hamburgisches Weltwirtschafts Archiv (HWWA).Hamburg Institute of International Economics.
- Deardorff,A (1995), Determinants of Bilateral Trade:Does Gravity work in a Nneoclassical World? National Bureau of Economic Research working paper ,5377.
- EL.Agraa,Ali.M (1999), Regional Integration ,Experience Theory and Measurement, London Macmillan Press ltd.
- Fawceh, Louise L,Estrange (2005), Oxford University, International Relation of the Middle East.
- Feenstra,Robert C.,Markusen,James R.and Andrew K.Rose(2001), Using the Gravity Equation to Differentiate Among Alternative Theories of Trade, Canadian Journal of Ecoomics.
- Gehrles.F(1956), Custom Union from a Single Country Viewpoint ,Review of Economics studies,vol.(2)
- Limao, N.and Venables A.J (2001), Infrastructure Geographical Disadvantage, Transport Costs, and Trade World Bank Economic Review,15.
- Lipsey,R.G.(1957), the Theory of Customs Union: Trade Diversion and Welfare, Economica, vol 24.
- Lopez- Rodriguez, J (2010), Regional Convergence in the European Union.
- McCallum,J (1995), National Borders matter : Canada-U.S.Regional Trade Patterns.The American Economic Review.world bank.
- Pfeifer.Karen.Greenwich: JAI (1996), Research in Middle East Economic. Results From a Panel Data Model; Economic Bulletin, 18(2).

Taylor,A.et al (2011),The Rise and Fall of World Trade,1870-1939, The Quarterly Journal of Economics,cxv.

Viner.J (1950), The Customs Union Issue , Carnegie Endowment for International Peace, New York Wonnocot.G.P and Wonnocot R.G.(1987), Is Unilateral Tariff Reduction Preferable to a Customs Union? The Curious Case of the Missing Foreign Tariff, American Economic Review,vol.71

World Bank(2006),World Development Indicators,Washington:World Bank.

<http://www.worldbank.org> (2011).

<http://www.indo.com> (2011).

Archive of SID